

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۳

۲۴ جنوری ۲۰۱۸

درنگی بر ستراتیژی جدید امریکا برای افغانستان و منطقه

پس از ماه‌ها چانه زنی بین مقامات بلند پایه پنتاگون و کاخ سفید، بالاخره ستراتیژی جدید ایالات متحده برای منطقه و افغانستان از سوی «پیر خرفت» به تاریخ ۳۱ اسد سال ۱۳۹۶ اعلام گردید. مهم‌ترین بخش‌های این ستراتیژی برای افغانستان را تشدید عملیات هوایی علیه طالبان، افزایش نیروهای نظامی امریکائی به افغانستان، دوام پروسه تمویل و تجهیز نیروهای امنیتی دولت کابل، لغو تقسیم اوقات خروج نیروهای امریکائی از افغانستان، واگذاری پروسه ملت‌سازی به دولت کابل و «عدم مداخله» امریکا در این مسأله، جلوگیری از گسترش نفوذ طالبان و وادار نمودن آنان برای پیوستن به پروسه «صلح»، تحت فشار قرار دادن پاکستان به نابدی لانه‌های تروریسم در خاک آن کشور، به آغوش کشیدن بیشتر هند و دور شدن امریکا از پاکستان را شامل می‌شود. علاوه بر آن خروج «پیروزمندانه» عساکر امریکائی از افغانستان، جلوگیری از تکرار خروج عجلانه امریکا چنان‌که از عراق در سال ۲۰۱۱ برآمد، تأکید بر از بین بردن پناهگاه‌های امن تروریستان در دو طرف مرز افغانستان و پاکستان، تفویض صلاحیت‌های عام و تام به عساکر امریکائی در از بین بردن شبکه‌های تروریستی و تشدید عملیات‌های نظامی، عدم صدور چک‌های سفید «کمک» به حکومت «وحدت ملی»، گرفتن مسؤلیت کشتن تروریست‌ها و بالاخره فراموش نکردن سناریوی یازده سپتمبر بخش‌های دیگری از این ستراتیژی را می‌سازد.

اجراآت پنتاگون و کاخ سفید پس از اعلام ستراتیژی جدید از جمله اعزام ۳۵۰۰ عسکر تازه نفس امریکائی به افغانستان، تشدید عملیات‌های هوایی بی‌پیشینه امریکائی‌ها بر طالبان و داعشی‌ها (نیروهای امریکائی در سال ۲۰۱۷ در مجموع ۲۶۰۰ حمله هوایی را انجام داده که با فرو ریختن هزاران تن بم از جمله مادر بم‌ها صدها غیر نظامی را به خاک و خون کشیدند. این در حالیست که در سال ۲۰۱۶ مجموع حمله‌های هوایی امریکائی‌ها به مشکل به ۶۰۰ حمله می‌رسید)، تجرید بی‌سابقه پاکستان (ترمپ در اولین توییت سال ۲۰۱۸ خود علیه پاکستان گفت: «امریکا به شکل احمقانه ۳۳ میلیارد دالر را در ۱۵ سال گذشته به پاکستان کمک کرده، اما آنان در عوض هیچ چیز برای ما نداده‌اند، جز دروغ و فریب و رهبران ما را احمق فکر کرده‌اند. آنان به هراس افغانی که ما در افغانستان آنان را هدف قرار می‌دهیم، پناه‌گاه امن مهیا می‌کنند... دیگر بس است»)، به تعلیق در آوردن کمک ۲۵۰ میلیون دالری امریکا به پاکستان، افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با هند و تشویق آن کشور به گسترش فعالیت‌های اقتصادی در افغانستان، وادار نمودن ناتو به اعزام بیشتر نیروهای نظامی به افغانستان، اعزام یک لوی کامل از نیروهای ویژه

امریکائی به منظور آموزش و مشوره دهی به نیروهای نظامی حکومت «وحدت ملی»، سفر رئیس شورای امنیت ملل متحد، نیکی هیلی سفیر امریکا در ملل متحد و نماینده های بیش از ۱۵ کشور دیگر به ارتباط شکایت های دوامدار افغانستان از حملات راکتی و مداخلات نظامی پاکستان، تحرکات روز افزون امریکائی ها در منطقه و افغانستان و سفرهای پیهم مقامات بلند پایه امریکائی به هند، افغانستان، پاکستان، چین و سایر کشور های منطقه همه بیانگر آنست که امریکا متعهد به تطبیق ستراتیژی جدید خود در افغانستان و منطقه می باشد.

ستراتیژی جدید امریکا برای افغانستان در واقع تداوم سیاست این کشور برای نفوذ هرچه بیشتر در این منطقه از جهان طراحی گردیده و ادامه راهی است که رؤسای جمهور قبلی امریکا پس از سناریوی یازده سپتمبر ۲۰۰۱ آن را طی کرده اند. قبل از این نیز امریکائی ها با امضای پیمان ستراتیژیک، ایجاد پیشرفته ترین پایگاه های نظامی ۹ گانه و امضای قرارداد «امنیتی»، گام های عملی را برای جابه جایی طولانی مدت (حداقل پنجاه سال) در افغانستان برداشته اند.

عامل اصلی هزینه بیش از یک تریلیون دالر در جریان شانزده سال گذشته و به خطر انداختن جان هزاران نظامی امریکائی که مصارف هر یک آنها سالانه یک میلیون دالر برآورد گردیده (آمار منتشره نشان می دهد که از ۲۰۰۱ الی ختم ۲۰۱۷ بیش از ۲۵۰۰ امریکائی در جنگ ارتجاعی جاری کشته شده و هزاران امریکائی دیگر معلول یا زخمی گردیده اند)، به هیچ عنوان نمی تواند سناریوی یازده سپتمبر و «جنگ» علیه تروریسم باشد، بلکه عامل عمده و اساسی علاقه مندی بیش از اندازه امریکائی ها به افغانستان، موقعیت جغرافیای اقتصادی و سیاسی این کشور عقب نگهداشته شده مخصوصاً همسایگی آن با پنج کشور اتمی (روسیه، چین، پاکستان، هند و ایران نیمه اتمی) و قسماً ذخایر معدنی و منابع سرشار طبیعی (ناسا پیش بینی نموده که ذخایر معدنی و منابع طبیعی افغانستان تریلیون ها دالر ارزش دارد) آن می باشد.

تفاوت ماهوی که ظاهراً بین ستراتیژی ترمپ با ستراتیژی های رؤسای جمهور قبلی امریکا به مشاهده می رسد، همانا تجرید بی سابقه پاکستان و به آغوش کشیدن هند است. البته این دوری و نزدیکی امریکا به پاکستان و هند، دو دلیل عمده دارد: یکی سیاست دو پهلو پاکستانی ها در برخورد با طالبان، شبکه حقانی و در مجموع گروه های تروریست گفته شده که از یکطرف به بهانه جنگ علیه آنها در جریان شانزده سال گذشته میلیاردها دالر کمک را از امریکا و انگلیس به دست آورده، در حالی که هیچ نوع برخورد جدی علیه گروه های تروریستی از جمله شبکه حقانی و طالبان نکرده است. از جانب دیگر دولت مستبد و ضد مردمی پاکستان همچون روسیه های سیاسی به دلیل کمک های هنگفت چینی ها، خود را به دامن آن کشور انداخته و بیش از اندازه به آنها نزدیک شده که این موضوع از چشم تیزبین حکام امریکا پنهان بوده نمی تواند.

امضای قرارداد «امنیتی» در اولین روز های «حکومت وحدت ملی» با اشغالگران امریکائی به وضوح بیانگر آن است که اصلاً «ستراتیژی خروج» که در زمان "اوباما" مطرح گردیده بود و هیاهوی بسیار نیز به راه انداخته شد و هزاران عسکر امریکائی پس از سال ۲۰۱۴ نیز افغانستان را ترک کردند، مطرح بحث نبوده و چیزی به نام جدول خروج امریکائی ها از افغانستان وجود نداشته، چراکه تئوریسین های کاخ سفید و نظامیان پنتاگون در بحث جهانی، ستراتیژی های مقطعی و کوتاه مدت را طرح نمی کنند که با تغییر رؤسای جمهور، آن ستراتیژی ها بی اعتبار گردد. این موضوع زمانی آشکار گردید که با روی کار آمدن ترمپ و طرح ستراتیژی جدید برای افغانستان، موضوع خروج نظامیان امریکائی از افغانستان کاملاً منتفی گردید و ترمپ با صراحت اعلام نمود که قصد خروج از افغانستان را ندارد.

پس از اعلام ستراتیژی جدید امریکا برای افغانستان و منطقه مخصوصاً موضع گیری تند ترمپ در برابر پاکستان، وضعیت امنیتی افغانستان بیشتر از هر زمانی وخیم گردیده و شدت جنگ بین خارجی ها و نیروهای امنیتی دولت کابل از یک طرف و طالبان و داعش (گفته می شود که ۲۲ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت دارند) از جانب دیگر تا پشت دروازه های کابل رسیده و روزی نیست که ده ها تن از طرفین در این جنگ ارتجاعی کشته و زخمی نشوند.

به گفته پنتاگون در حال حاضر نزدیک به ۴۱ درصد خاک افغانستان تحت کنترل طالبان است. روسیه، ایران و پاکستان عملاً با تمامی امکانات در حال تمویل و تجهیز طالبان بوده و تنور جنگ ارتجاعی جاری بیشتر از هر زمانی داغتر گردیده است. نباید از یاد برد که اتهام انتقال داعشی ها به ولایت های شمال افغانستان بر امریکائی ها که از سوی ضمیر کابلوف نماینده خاص روسیه در افغانستان مطرح گردیده و گسترش روز افزون پدیده شوم داعش در افغانستان یکی دیگر از موضوعاتی است که باعث تشدید این جنگ گردیده است.

ستراتیژی جدید ترمپ، رقبای آسیائی امریکا را که شامل کشور های روسیه، چین، ایران و پس از این ستراتیژی پاکستان می گردد، به تکاپو انداخته تا نگذارند امریکا و ناتو به اهداف ستراتیژیک آسیائی خود دست یابد، به همین ملحوظ است که پس از اعلام این ستراتیژی اوضاع امنیتی افغانستان بیشتر از هر زمانی وخیم گردیده و روزی نیست که در ده ها نقطه جنگ شدید بین طرفین به وقوع نپیوندد.

در میان شاخ به شاخ شدن امریکا و ناتو با رقبای آسیائی شان در جنگ نیابتی و ارتجاعی جاری، این توده های بیچاره و فقیر ما اند که هزینه این جنگ ارتجاعی را با از دست دادن عزیزان شان، بربادی خانه های فقیرانه شان و کوچ اجباری صدها هزار مرد، زن و طفل (تازه ترین آمار نشان می دهد که بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر در افغانستان در نتیجه جنگ ها و اخراج اجباری مهاجران از ایران و پاکستان بیجا گردیده اند.) این خاک می پردازند.